info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۷۷۵
سه‌شنبه / ۱۳ خرداد/ ۱۴۰۴
/ ۷ ذوالحجه / ۱۴۴۶
03 / June / 2025

صاحب‌امتیاز موسسه همگامان اندیشه‌زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۳۲۸۳۸-۲۲۵۳۴۴۴۳-۲۶- فکس: ۲۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

فال ۲۷۷۵

امروز با حافظ

گشت بیمار که چون چشمِ تو گردد نرگس
شیوه تو نشُدش حاصل و بیمار بماند
از صدایِ سخنِ عشق ندیدم خوشتر
یادگاری که در این گنبدِ دوّار بماند

فرهنگ

هرگز نداند آسیا مقصود
گردش‌های خود
که‌استون قوت ماست او یا
کسب و کار ناتیا

مولانا

اذان

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۰۵	۰۴:۵۰	۱۲:۰۴	۱۹:۱۸	۱۹:۳۹

برگه

اگر می‌خواهید زندگی شادی داشته باشید، زندگی خود را به یک هدف گره بزنید نه آدم‌ها و چیزها...

آلبرت اینشتین

دیدگاه

معضل بزرگ لاکچری شدن کالاهای آموزشی در ایران

فروش لپ‌تاپ‌هایی با قیمت تجومی و حتی معادل درآمد چند ماه و یا یک سال خانواده‌ها، یکی از چالش‌های بزرگ برای دانش آموزان و دانشجویانی است که طی چند سال گذشته برای تحصیل وارد مدارس و یا دانشگاه‌ها شده‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از پارسینه، با وجود آنکه آموزش دیجیتال در اغلب کشورهای دنیا به عنوان ابزار مهمی جهت تسهیل روند یادگیری شناخته می‌شود، در ایران بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان به سختی امکان دسترسی به ابزارهای مورد نیاز در این حوزه دارند.

فروش لپ‌تاپ‌هایی با قیمت تجومی و حتی معادل درآمد چند ماه و یا یک سال خانواده‌ها، یکی از چالش‌های بزرگ برای دانش آموزان و دانشجویانی است که طی چند سال گذشته برای تحصیل وارد مدارس و یا دانشگاه‌ها شده‌اند. این شرایط، نه‌تنها شکاف آموزشی را تشدید کرده، بلکه پدیده‌های تازه و نادری چون اجاره ساعتی لپ‌تاپ، امانت گرفتن برای امتحان یا شراکت جنب نفره برای خرید یک دستگاه وارد ادبیات روزمره آموزشی کرده است.

تا پیش از پاندمی کرونا، لپ‌تاپ برای بسیاری از خانواده‌های متوسط ایرانی، وسیله‌ای بود در حاشیه ضروریات؛ اما آموزش آنلاین، برگزاری آزمون‌ها از راه دور و پروژه‌های تحصیلی مجازی، آن را به ابزاری بی‌جایگزین برای تحصیل تبدیل کرد. اکنون با افزایش قیمت دلار، تحریم‌های فزاینده و محدودیت‌های واردات، قیمت یک لپ‌تاپ میان‌رده از مرز ۵۰ تا ۸۰ میلیون تومان عبور کرده است؛ رقمی که با حقوق پایه کارگری فاصله‌ای زیاد دارد.

در سال ۱۴۰۳، طبق گزارش اتحادیه فناوران رایانه تهران، واردات لپ‌تاپ با کاهش بیش از ۵۰ درصدی نسبت به سال قبل مواجه بوده و این مسئله نه تنها عرضه را کاهش داده، بلکه بازار را در دست چند وارد‌کننده خاص قرار داده است. همین موضوع، امکان مانور برای تعیین قیمت‌ها را افزایش داده و بازار سیاه خرید و فروش لپ‌تاپ‌های دست‌دوم را گسترش داده است.

اجاره لپ‌تاپ: تنها راه حل دانشجویان و دانش آموزان

در شرایط کنونی افزایش قیمت بی‌سابقه لپ‌تاپ، راه را برای ابتکارهایی عجیب اما غیرقابل اجتناب باز کرده است. طوری که اکنون در برخی کافال‌های تلگرامی، صفحات اینستاگرام و حتی گروه‌های دانشجویی، می‌توان آگهی‌هایی با مضمون «اجاره لپ‌تاپ برای یک روز»، «امانت لپ‌تاپ با ضمانت کارت دانشجویی» یا «استفاده ساعتی برای ارائه پایان‌نامه» مشاهده کرد.

طبق آگهی های منتشر شده، قیمت این اجاره‌ها از ساعتی ۲۰ تا ۷۰ هزار تومان متغیر است و گاهی یک دانش آموز و یا دانشجو برای اجاره یک لپ‌تاپ معمولی به مدت یک هفته، باید مبلغی نزدیک به ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کند. از سوی دیگر افرادی که این خدمات را ارائه می‌دهند، اغلب خود از دانشجویان یا فارغ‌التحصیلانی هستند که با خرید اقساطی چند دستگاه، در این بحران، کسب‌وکار کوچکی به راه‌انداخته‌اند.

شرایط دشوار محصلان در مناطق محروم

در مدارس مناطق محروم، وضعیت حتی نگران‌کننده‌تر است و بسیاری از دانش آموزان نمی‌توانند تحت تاثیر عدم دسترسی به چنین ابزاری فعالیت‌های تحصیلی خود در قالب پژوهش و ارائه آن را به خوبی انجام دهند. موضوعی که حاکی از فقر روانی و آموزشی گسترده در کشورمان حکایت دارد. دانش‌آموزانی که احساس می‌کنند از رقابت جا مانده‌اند و دانشجویانی که ناچارند حتی برای یک فایل پاورپوینت، با شرمندگی از خوابگاهی به خوابگاه دیگر بروند، همگی قربانیان شرایط دشواری هستند که حتی ابزار پایه تحصیل را به کالایی تجملی تبدیل کرده‌اند.

بازار ناامن دستگاه‌های دست دوم

بازار لپ‌تاپ‌های کارکرده هم چندان امن نیست. تحت تاثیر نبود سازوکارهای نظارتی، بسیاری از این دستگاه‌ها با سخت‌افزار غیراصلی، باتری‌های معیوب، یا نسخه‌های غیرفعال ویندوز عرضه می‌شوند. حتی مواردی از فروش لپ‌تاپ‌های اسقاط‌شده که فقط ظاهر فریبنده دارند، نیز گزارش شده است. در این میان، کاربران جوان و ناآگاه، بیشتر در معرض فریب و زیان مالی غیرقابل جبران قرار دارند.

دولت تاکنون در چند نوبت از اختصاص یارانه خرید لوازم دیجیتال برای اقشار خاص، نظیر معلمان یا دانشجویان بورسیه، خبر داده است. اما این طرح‌ها به‌دلیل محدودیت منابع، کندی اجرای اداری و نبود زیرساخت مشخص، نتوانسته‌اند به راه‌حلی پایدار و عملی تبدیل شوند. بخش خصوصی نیز جز در قالب اقدامات محدود مسئولیت اجتماعی، هنوز وارد این میدان نشده است.

کارشناسان حوزه آموزش دیجیتال معتقدند واردات هدفمند و معاف از عوارض گمرکی برای لپ‌تاپ‌های دانش‌آموزی، راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه دانشجویی برای خرید لوازم دیجیتال و در نهایت مشارکت بخش خصوصی در تأمین زیرساخت‌های آموزشی ارزان می‌تواند مسیر را برای رفع این بحران، هموارتر کند.

در جهانی که یادگیری دیجیتال، آینده آموزش را شکل می‌دهد، در ایران دسترسی به لپ‌تاپ به یک معضل طبقاتی تبدیل شده است. حل‌شدن در قرن بیست‌ویکم نباید وابسته به توان مالی خانواده‌ها باشد. اگر آموزش را یک امر لازم و ضروری برای توجوانان و جوانان می‌دانیم، ابزار آن نیز باید در دسترس باشد. در غیر این صورت، باید منتظر تسلی باشیم که نه فقط از کلاس‌های مجازی، بلکه از آینده نیز جامانده است.

گزارش روز

کنسرسیوم هسته‌ای شدنی است؟

این روزها بحث کنسرسیوم غنی‌سازی هسته‌ای ایران بیش از هر چیز دیگری مطرح است. این عبارت می‌تواند در حل دعوای پرچالش ایران و آمریکا نقش مؤثری داشته باشد و توافقاتی را که به نظر می‌رسد در زمان‌های نزدیک و دور به نتیجه برسد.

به گزارش پیام آشنا، به نقل از خراسان، این روزها پیرامون پرونده هسته‌ای ایران بیش از هر اصطلاح دیگری، کنسرسیوم غنی‌سازی به گوش می‌رسد. عبارتی که به نظر می‌رسد می‌تواند در میان دعوای پرچالش امروز ایران و آمریکا گره‌های کور را باز کند و توافقی را که در زمان‌هایی خیلی نزدیک و در مقاطعی خیلی دور به نظر می‌رسد، به نتیجه برساند.

به نظر می‌رسد با دو مدل کنسرسیومی مواجه هستیم؛ اول غنی‌سازی در خاک ایران و دوم غنی‌سازی در خارج از خاک ایران. آنچه مسلم است ایران، مشکل اصولی و کلی با ایجاد کنسرسیوم غنی‌سازی ندارد اما تاکید می‌کند که مرکز غنی‌سازی در این کنسرسیوم باید در داخل خاک کشورمان باشد.

در این صورت ایران می‌تواند در مشارکت با کشورهای منطقه همچون عربستان و امارات که به تازگی به سمت صنعت هسته‌ای رفته‌اند و حتی کشورهای پیشرفته همچون اروپایی‌ها و آمریکا و روسیه و چین، این کنسرسیوم را تشکیل دهد در چنین وضعیتی غنی‌سازی در خاک ایران که مهم‌ترین خط قرمز تهران است حفظ خواهد شد و تاسیسات برچیده نخواهند شد.

در این صورت کشورهای مشارکت کننده نیز می‌توانند نظارت و همکاری در تولید مواد غنی شده از حرکت به سمت صنعت هسته‌ای فراتر نیز باشند و حتی به صورت یک دی‌نفع فعال برای استفاده‌های خودشان از این تولیدات استفاده کنند. با این حال این حالت موانع و مشکلاتی هم دارد که باید در نظر گرفت؛ از جمله این که حضور کارشناسان کشورهای ذی نفع می‌تواند احتمال جاسوسی را بالا ببرد.

از سوی دیگر هرگونه توافقی میان آمریکا و ایران در خصوص چنین کنسرسیومی طبق قانون INARA در آمریکا باید به تایید کنگره برسد که می‌تواند چالش بزرگی باشد. همچنین دوره زمانی فعالیت این کنسرسیوم هم مهم است و به نظر می‌رسد ایران مایل نباشد که بدون بندهای غروب آفتاب این توافق به امضا برسد.

اما مدل مطلوب طرف آمریکایی مدلی است که کنسرسیوم غنی‌سازی در شرایطی تشکیل شود که مرکز غنی‌سازی در خارج از خاک ایران شکل بگیرد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد کنسرسیوم می‌تواند با شراکت ایران و اعراب و آمریکا و اروپا و... در قزاقستان یا روسیه یا عمان، کار غنی‌سازی را تجمع دهد و مواد تولید شده برای نیازهای ایران به خاک کشورمان منتقل شود. این شرایط می‌تواند برای آمریکایی‌ها و غرب اطمینان ساز باشد. با این حال چنین موضوعی از خط قرمز ایران در غنی‌سازی داخل کشور فاصله دارد و می‌تواند خطرناک باشد. تجربه گذشته در خصوص تامین مواد غنی شده ۲۰ درصد برای راکتور تهران و بدعهدی غرب در تامین آن و نیز دیه کردن در مورد قرارداد انتقال مواد به ترکیه و برزیل در سال ۲۰۱۰ و خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ نمونه‌هایی است که نگاه تهران را کاملا شک‌آلود کرده است. ضمن این که احتمالا در این طرح ایران باید تاسیسات غنی‌سازی خود را برچیند؛ در حالی که تهران به موضوع غنی‌سازی خود علاوه بر نیازهای داخلی نگاه اقتدارآمیز و بازدارندگی هم دارد و طرح کنسرسیوم خارج از ایران این توان را هم از کشورمان خواهد گرفت.

در مجموع به نظر می‌رسد آنچه فراتر از همه این‌ها اهمیت دارد این است که هر نوع کنسرسیومی باید نقش مکمل را در صنعت هسته‌ای ایران داشته باشد و نه جایگزین. حفظ توانمندی بومی ایران و استمرار حداقل غنی‌سازی (۳.۶۷درصد) ضروری است. برای همین هم ایران باید رفع موثر تحریم‌ها و دریافت تضمین‌های قوی برای عدم بدعهدی‌های تجربه شده را مطالبه کند. برای رسیدن به این شرایط مسیر سخت و پیچیده‌ای در ادامه وجود دارد و طرف مقابل نیز از همه ابزارهای چماق و هویج گونه خود استفاده می‌کند. تیم دیپلماتیک ایران البته که نباید همچون روزهای گذشته مقهور چنین بازی‌هایی شود.

هادی محمدی

اشاره

اقامت با اعمال شاقه!

سال‌ها پیش وقتی تصمیم به سفر می‌گرفتیم و جایی برای اقامت تدارکاتچی معمولاً بعد از ورود به شهر مقصد سراغ بنگاه‌های املاک یا افراد محلی کنار ترمینال‌ها و جاده‌ها می‌رفتیم که تابلوی «خانه و ویلای اجاره‌ای» در دست داشتند و به صورت مستقیم مشتری جلب می‌کردند. خیلی‌ها هم برای اجاره اقامتگاه سراغ فامیل، دوست یا آشنایانی می‌رفتند که در شهر مقصد سکونت داشتند و گاهی حتی شماره تماس مالک خانه یا ویلا را داشتند و از قبل سفر، محل اقامت خود را رزرو می‌کردند. البته برخی آژانس‌های مسافرتی هم خدمات اجاره اقامتگاه را در کنار تور و بلیت ارائه می‌دادند اما انتخاب محدود بود و بیشتر برای هتل‌ها کاربرد داشت. اما طی سال‌های اخیر و با گسترش کسب‌وکارهای اینترنتی، پلتفرم‌هایی برای اجاره اقامتگاه در ایران شکل گرفت که با الگوبرداری از نمونه‌های خارجی همچون Airbnb بود که از سال ۲۰۰۸ در سطح جهانی کار خود را آغاز کرد.

وعده‌هایی که پوچ شد!

پلتفرم‌هایی اجاره اقامتگاه در ایران با هدف شفاف‌سازی بازار اجاره، افزایش امنیت مسافران، تسهیل فرآیند رزرو کمک به توسعه گردشگری داخلی و افزایش درآمد برای مالکان یا گرفتند اما رفته رفته هدف اصلی خود را فراموش کردند. تا جایی که انتشار گزارش‌هایی مبنی بر تخلفات مختلف در این پلتفرم‌ها همچون قیمت‌گذاری غیرمتعارف، ارائه اطلاعات نادرست و اجاره به افراد غیرمجاز، باعث نگرانی و کاهش اعتماد کاربران شد. متأسفانه برخی سایت‌های ارائه‌دهنده خدمات سفر، قیمت اجاره ویلاها و اقامتگاه‌ها را بالاتر از نرخ بازار یا نرخ مصوب ارائه می‌کنند که این تخلف موجب نارضایتی مسافران و حتی مالکان اقامتگاه‌های بوم‌گردی شده است. بر اساس شکایات کاربران در فضای مجازی، در مناسبت‌های خاص مانند تعطیلات نوروز، قیمت اجاره ویلاها در سایت‌های معروف و پرکاربر تا ۵۰ درصد بالاتر از نرخ معمول اعلام شده که این افزایش غیرشفاف، باعث نارضایتی گسترده مسافران شده است. سال ۱۴۰۲ گزارش‌هایی منتشر شد که برخی کاربران، از سایت‌های جعلی و صفحات تبلیغاتی که قیمت‌های بسیار پایین‌ و وسوسه‌کننده‌ارائه می‌دادند، اقدام به رزرو یا پیش‌پرداخت کرده‌اند اما پس از پرداخت، نه اقامتگاه رزرو شده و نه مبلغ بازگردانده شده بود؛ موضوعی که منجر به تشکیل چند پرونده قضایی و هشدار پلیس فتا شد.

ورود غیرمجاز به بازدشگری

یکی دیگر از مشکلاتی که بسیاری از کاربران این پلتفرم‌ها به آن اشاره دارند، مغایرت اطلاعات ارائه‌شده در سایت پیرامون امکانات ویلا و اقامتگاه، موقعیت جغرافیایی، تعداد اتاق‌ها و شرایط اقامت، با آنچه از تدریک می‌بینند است. این موضوع بارها باعث شده مسافران پس از ورود با شرایط نامطلوب مواجه شده و مجبور به ترک اقامتگاه یا پرداخت هزینه‌های اضافی شوند. اما جدی‌ترین مشکل در این سایت‌ها، اجاره دادن ویلا یا اقامتگاه بوم‌گردی به افراد فاقد مدارک قانونی یا کسانی است که پیش‌تر سابقه مشکلاتی مانند مزاحمت یا تخریب اموال داشته‌اند؛ موضوعی که می‌تواند امنیت سایر مسافران و ساکنان اطراف را هم به مخاطره بیندازد. همچنین برخی از این پلتفرم‌ها خانه‌ها و اقامتگاه‌های غیرمجاز را در لیست اقامتی خود جا داده‌اند.

سوءاستفاده پلتفرم‌ها از بوم‌گردی‌ها

یاور عبیری، رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بوم‌گردی ایران در این باره به «وطن امروز» می‌گوید: هر چند قیمت‌گذاری اقامتگاه‌ها قیمت مصوب و مشخصی برای بوم‌گردی‌ها وجود دارد اما برخی سایت‌های اقامتی با نادیده گرفتن این قیمت‌ها آنها را افزایش می‌دهند که این مسأله باعث ایجاد تراکم کردمانه که متأسفانه برخی پلتفرم‌ها در حال سوءاستفاده از فعالان این حوزه هستند. میهمان هزینه را به پلتفرم می‌پردازد اما آن پلتفرم ممکن است ۲ یا ۳ ماه بعد هزینه را به اقامتگاه پرداخت کند و این یک چالش جدی است که پلتفرم‌ها برای بوم‌گردی‌ها ایجاد کرده‌اند». عبیری در ادامه می‌گوید: «از طرفی، پلتفرم‌هایی داریم که میزبانان غیرمجاز را هم در لیست خود دارند چه کسی باید بر این مسأله نظارت کند؟ وقتی در یک پلتفرم اقامتگاه‌های اجاره‌ای و بدون مجوز دیده می‌شود، باید یک نهاد مسؤول وارد عمل شود. اگر کسی مجوز ندارد، باید از حضور در این پلتفرم‌ها منع شود یا آن پلتفرم بسته شود. در این پیک سفر، پلتفرم ترغیب‌های چندبرابری برای اقامتگاه می‌گذارد در حالی که اقامتگاه‌دار بر اساس نرخ مصوب گاه حتی با تخفیف کار می‌کند. دراین‌میان مسافر گمان می‌کند اقامتگاه گرفته‌فروشی کرده در حالی که سودحاصل به جیب پلتفرم می‌رود. این هم موضوعی است که وزارت گردشگری و دیگر نهادها باید به آن ورود کنند».

اجاره ساعتی ویلا یا ترویج فساد؟

رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بوم‌گردی ایران با اشاره به اجاره ساعتی اقامتگاه‌ها می‌گوید: «برخی پلتفرم‌ها، اقامتگاه‌هایی را مرساد خود قرار می‌دهند که ساعتی اجاره داده می‌شوند. این مسأله شائبه فساد و فحشا را ایجاد می‌کند. اگر چه اجاره ساعتی ویلا برای مسافران عبوری و استراحت چندساعته، کارایی‌هایی دارد اما خودمان واقعیت‌ها را می‌دانیم؛ چه نهادی باید جلوی این را بگیرد؟ اینجا دیگر جای ورود قوه‌قضائیه است. چطور یک سایت رسمی کشور می‌تواند از طریق اجاره ساعتی سوئیت کسب درآمد کند؟» وی با اشاره به رشد فزاینده بوم‌گردی‌های غیرمجاز در کشور می‌گوید: «حتی اوقات در یک روستا یک واحد بوم‌گردی مجوزدار داریم اما می‌بینیم ۱۰ خانه دیگر بدون هیچ مجوزی فعالیت می‌کنند و هیچ‌گونه نظارتی هم بر روند فعالیت آنها وجود ندارد. این روزها برخی سایت‌های اقامتی با نادیده گرفتن این قیمت‌ها آنها را افزایش می‌دهند که این مسأله احترام به نظام قیمت‌گذاری را از بین می‌برد. من بارها تکرار کردمام که متأسفانه برخی پلتفرم‌ها در حال سوءاستفاده از فعالان این حوزه هستند. میهمان هزینه را به پلتفرم می‌پردازد اما آن پلتفرم ممکن است ۲ یا ۳ ماه بعد هزینه را به اقامتگاه پرداخت کند و این یک چالش جدی است که پلتفرم‌ها برای بوم‌گردی‌ها ایجاد کرده‌اند». عبیری در ادامه می‌گوید: «از طرفی، پلتفرم‌هایی داریم که میزبانان غیرمجاز را هم در لیست خود دارند چه کسی باید بر این مسأله نظارت کند؟ وقتی در یک پلتفرم اقامتگاه‌های اجاره‌ای و بدون مجوز دیده می‌شود، باید یک نهاد مسؤول وارد عمل شود. اگر کسی مجوز ندارد، باید از حضور در این پلتفرم‌ها منع شود یا آن پلتفرم بسته شود. در این پیک سفر، پلتفرم ترغیب‌های چندبرابری برای اقامتگاه می‌گذارد در حالی که اقامتگاه‌دار بر اساس نرخ مصوب گاه حتی با تخفیف کار می‌کند. دراین‌میان مسافر گمان می‌کند اقامتگاه گرفته‌فروشی کرده در حالی که سودحاصل به جیب پلتفرم می‌رود. این هم موضوعی است که وزارت گردشگری و دیگر نهادها باید به آن ورود کنند».

اجاره ساعتی ویلا یا ترویج فساد؟

رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بوم‌گردی ایران با اشاره به اجاره ساعتی اقامتگاه‌ها می‌گوید: «برخی پلتفرم‌ها، اقامتگاه‌هایی را مرساد خود قرار می‌دهند که ساعتی اجاره داده می‌شوند. این مسأله شائبه فساد و فحشا را ایجاد می‌کند. اگر چه اجاره ساعتی ویلا برای مسافران عبوری و استراحت چندساعته، کارایی‌هایی دارد اما خودمان واقعیت‌ها را می‌دانیم؛ چه نهادی باید جلوی این را بگیرد؟ اینجا دیگر جای ورود قوه‌قضائیه است. چطور یک سایت رسمی کشور می‌تواند از طریق اجاره ساعتی سوئیت کسب درآمد کند؟» وی با اشاره به رشد فزاینده بوم‌گردی‌های غیرمجاز در کشور می‌گوید: «حتی اوقات در یک روستا یک واحد بوم‌گردی مجوزدار داریم اما می‌بینیم ۱۰ خانه دیگر بدون هیچ مجوزی فعالیت می‌کنند و هیچ‌گونه نظارتی هم بر روند فعالیت آنها وجود ندارد. این موضوع باعث ایجاد تراکم و سوءاستفاده از فعالان این حوزه هستند. میهمان هزینه را به پلتفرم می‌پردازد اما آن پلتفرم ممکن است ۲ یا ۳ ماه بعد هزینه را به اقامتگاه پرداخت کند و این یک چالش جدی است که پلتفرم‌ها برای بوم‌گردی‌ها ایجاد کرده‌اند». عبیری در ادامه می‌گوید: «از طرفی، پلتفرم‌هایی داریم که میزبانان غیرمجاز را هم در لیست خود دارند چه کسی باید بر این مسأله نظارت کند؟ وقتی در یک پلتفرم اقامتگاه‌های اجاره‌ای و بدون مجوز دیده می‌شود، باید یک نهاد مسؤول وارد عمل شود. اگر کسی مجوز ندارد، باید از حضور در این پلتفرم‌ها منع شود یا آن پلتفرم بسته شود. در این پیک سفر، پلتفرم ترغیب‌های چندبرابری برای اقامتگاه می‌گذارد در حالی که اقامتگاه‌دار بر اساس نرخ مصوب گاه حتی با تخفیف کار می‌کند. دراین‌میان مسافر گمان می‌کند اقامتگاه گرفته‌فروشی کرده در حالی که سودحاصل به جیب پلتفرم می‌رود. این هم موضوعی است که وزارت گردشگری و دیگر نهادها باید به آن ورود کنند».

اجاره ساعتی ویلا یا ترویج فساد؟

رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای اقامتگاه‌های بوم‌گردی ایران با اشاره به اجاره ساعتی اقامتگاه‌ها می‌گوید: «برخی پلتفرم‌ها، اقامتگاه‌هایی را مرساد خود قرار می‌دهند که ساعتی اجاره داده می‌شوند. این مسأله شائبه فساد و فحشا را ایجاد می‌کند. اگر چه اجاره ساعتی ویلا برای مسافران عبوری و استراحت چندساعته، کارایی‌هایی دارد اما خودمان واقعیت‌ها را می‌دانیم؛ چه نهادی باید جلوی این را بگیرد؟ اینجا دیگر جای ورود قوه‌قضائیه است. چطور یک سایت رسمی کشور می‌تواند از طریق اجاره ساعتی سوئیت کسب درآمد کند؟» وی با اشاره به رشد فزاینده بوم‌گردی‌های غیرمجاز در کشور می‌گوید: «حتی اوقات در یک روستا یک واحد بوم‌گردی مجوزدار داریم اما می‌بینیم ۱۰ خانه دیگر بدون هیچ مجوزی فعالیت می‌کنند و هیچ‌گونه نظارتی هم بر روند فعالیت آنها وجود ندارد. این موضوع باعث ایجاد تراکم و سوءاستفاده از فعالان این حوزه هستند. میهمان هزینه را به پلتفرم می‌پردازد اما آن پلتفرم ممکن است ۲ یا ۳ ماه بعد هزینه را به اقامتگاه پرداخت کند و این یک چالش جدی است که پلتفرم‌ها برای بوم‌گردی‌ها ایجاد کرده‌اند». عبیری در ادامه می‌گوید: «از طرفی، پلتفرم‌هایی داریم که میزبانان غیرمجاز را هم در لیست خود دارند چه کسی باید بر این مسأله نظارت کند؟ وقتی در یک پلتفرم اقامتگاه‌های اجاره‌ای و بدون مجوز دیده می‌شود، باید یک نهاد مسؤول وارد عمل شود. اگر کسی مجوز ندارد، باید از حضور در این پلتفرم‌ها منع شود یا آن پلتفرم بسته شود. در این پیک سفر، پلتفرم ترغیب‌های چندبرابری برای اقامتگاه می‌گذارد در حالی که اقامتگاه‌دار بر اساس نرخ مصوب گاه حتی با تخفیف کار می‌کند. دراین‌میان مسافر گمان می‌کند اقامتگاه گرفته‌فروشی کرده در حالی که سودحاصل به جیب پلتفرم می‌رود. این هم موضوعی است که وزارت گردشگری و دیگر نهادها باید به آن ورود کنند».

فعالیت آنها وجود ندارد از سوی دیگر، بوم‌گردی‌هایی که مجوز دارند با سخت‌گیری‌های فراوانی همچون پرداخت عوارض، مالیات، بیمه مسؤولیت مدنی، بیمه تأمین اجتماعی، بیمه آتش‌سوزی و پاسخگویی به دماء تهاد مختلف همچون وزارت بهداشت، اماکن، وزارت میراث فرهنگی و... مواجه هستند. وقتی بوم‌گردی مجوزدار می‌بیند همسایه‌اش بدون هیچ یک از این سختی‌ها فعالیت می‌کند، طبیعتاً تمایل خود را برای تمدید مجوز از دست می‌دهد. این یک آسیب جدی است و اگر وزارت میراث فرهنگی و گردشگری با دولت به این مسأله توجه نکنند، در مسال‌های آینده وضعیت بوم‌گردی‌ها نامناسب خواهد شد. باید سیاست‌های تشویقی را برای این واحدها در نظر بگیریم و از آنها حمایت کنیم در غیر این صورت، چه دلیلی دارد یک فعال گردشگری این همه هزینه و دردسر را به جان بخرد و مجوز بگیرد آن هم وقتی یک نفر، بدون مجوز براحتی کار می‌کند و به هیچ تهدیدی هم پاسخگو نیست».

لزوم برخورد جدی با مدعیان

تخلفات گسترده‌ای که در پلتفرم‌های اجاره ویلا و اقامتگاه دیده می‌شود، بدون شک می‌تواند آسیب جدی به صنعت گردشگری داخلی وارد کند. برای جلوگیری از ادامه این وضعیت، لازم است همکاری و هماهنگی میان نهادهای نظارتی، پلتفرم‌های ارائه‌دهنده خدمات و کاربران به شکل جدی تقویت شود. اولویت اصلی، اعمال نظارت دقیق و مستمر از سوی سازمان‌های مربوطه مانند وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، همچنین پلیس فتاست. این نهادها باید با شناسایی و برخورد جدی با پلتفرم‌های غیرمجاز، بازار از افعال‌های غیرقانونی پاک کنند. کاربران هم باید با دقت و حساسیت بیشتری در انتخاب پلتفرم‌ها و اقامتگاه‌ها عمل کنند و در صورت مواجهه با تخلف، موضوع را به مراجع ذی‌ربط اطلاع دهند. چرا که تنها با همکاری مشترک نظارت قوی و فرهنگ‌سازی مناسب می‌توان بازار اجاره اقامتگاه‌ها را به سوی امنیت، شفافیت و رضایت مسافران سوق داد و زمینه رشد پایدار گردشگری داخلی را فراهم کرد.

مکث

چرا سوئیس بیش از هر کشور دیگری پناهگاه اتمی دارد؟

شاید تصور کنیم آمریکا یا روسیه به واسطه سابقه طولانی‌شان در جنگ سرد صاحب پناهگاه‌های هسته‌ای فراوانی باشند اما باید بدانیم این کشور سوئیس است که صاحب ۳۷۰ هزار پناهگاه هسته‌ای است. پناهگاه‌هایی که به گونه‌ای طراحی شده‌اند که می‌توانند کل جمعیت این کشور را در خود جای دهند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبر فوری، سوئیس از سال ۱۹۶۳، در اوج جنگ سرد و با ترس از تهدید جنگ هسته‌ای سیاستی منحصربه‌فرد به نام «پناهگاه برای همه» را اجرا کرد. این سیاست که ریشه در قانون فدرال حفاظت مدنی دارد، ایجاب می‌کند که هر شهروند سوئیسی به یک پناهگاه هسته‌ای دسترسی داشته باشد چه در خانه‌های شخصی و چه در پناهگاه‌های عمومی. این قانون در ابتدا با مقاومت کمی مواجه شد، زیرا منتقدان به‌عنوان هواداران شوروی یا کمونیست‌ها کنار گذاشته می‌شدند. بااین‌حال، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، با رشد جنبش‌های صلح برخی شروع به پرس‌وجو درباره ضرورت و کارایی این پناهگاه‌ها کردند. این سیاست در لوسرن، که تهدیدات هسته‌ای جنگ سرد شکل گرفت زمانی که سوئیس، به‌عنوان کشوری بی‌طرف خود را در معرض خطر یافتند درگیری‌های بین بلوک شرق و غرب می‌دید حتی پس از پایان جنگ سرد این کشور به ساخت پناهگاه‌ها ادامه داد، به‌طوری که امروزه بیش از ۳۷۰،۰۰۰ پناهگاه وجود دارد که شامل ۹ میلیون جای خواب است و کل جمعیت ۸.۷ میلیون نفری سوئیس را پوشش می‌دهد.

پناهگاه‌های هسته‌ای چه امکاناتی دارند؟

پناهگاه‌های هسته‌ای سوئیس در اشکال مختلفی وجود دارند. از پناهگاه‌های خصوصی در زیرزمین خانه‌ها و آپارتمان‌ها گرفته تا پناهگاه‌های عمومی عظیم مانند پناهگاه زوریخ‌برگ در لوسرن، که ظرفیت ۲۰،۰۰۰ نفر را دارد. این پناهگاه‌ها مجهز به سیستم‌های تهویه در درهای مقاوم در برابر انفجار و امکانات اولیه برای بقا هستند. به‌عنوان مثال، پناهگاه زوریخ‌برگ دارای تونل‌های تأمین هوا و زیرساخت‌هایی است که برای مقاومت در برابر حملات هسته‌ای طراحی شده‌اند. طبق قانون، هر ساختمان جدید در سوئیس باید دارای پناهگاه باشد و یا مالک آن باید هزینه‌ای برای دسترسی به یک پناهگاه عمومی پرداخت کند. این لزام باعث شده که پناهگاه‌ها به بخشی جدایی‌ناپذیر از معماری مدرن سوئیس تبدیل شوند. بااین‌حال، بسیاری از این پناهگاه‌های خصوصی اکنون به‌عنوان انباری یا فضاهای چندمنظوره استفاده می‌شوند، که نشان‌دهنده کاهش احساس فوریت تهدید هسته‌ای در سال‌های اخیر است.

چرا این همه پناهگاه هسته‌ای؟

سوئیس به‌عنوان کشوری بی‌طرف در طول جنگ سرد خود را در معرض خطر درگیری‌های هسته‌ای بین قدرت‌های بزرگ می‌دید. این کشور با قرار گرفتن در قلب اروپا احساس نیاز به آمادگی برای سناریوهای فاجعه‌بار داشت. فرهنگ سوئیسی، که به نظم و برنامه‌ریزی دقیق شهرت دارد، به پذیرش گسترده این سیاست کمک کرد. این آمادگی بخشی از هویت ملی سوئیس شده و به‌عنوان نشانه‌ای از خودکفایی و محافظت از شهروندان دیده می‌شود. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، تهدید جنگ هسته‌ای بسیار واقعی به نظر می‌رسید. تبلیغات دولتی، مانند فیلم‌های آموزشی که خطر جنگ را به مردم یادآوری می‌کردند، به تقویت این سیاست کمک کردند.

سوئیسی‌ها هم چنان علاقه‌مند پناهگاه‌اند

در فوریه ۲۰۲۲، با آغاز جنگ اوکراین و بمباران کی‌یف توسط روسیه، تقاضا برای بازدید از پناهگاه زوریخ‌برگ در لوسرن افزایش یافت. زورا شابرت، مدیر عملیاتی و راهنمای تور این پناهگاه، در ابتدا فکر می‌کرد که این درخواست‌ها شوخی هستند، اما بعدی متوجه شد که نگرانی‌های عمومی درباره امنیت دوباره افزایش یافته است. این موضوع نشان‌دهنده بازگشت ترس از درگیری‌های هسته‌ای در اروپا است، به‌ویژه با توجه به تنش‌های ژئوپلیتیکی اخیر.

برش

به‌توافق نزدیکیم یا دور؟

ماجرای مذاکره غیر مستقیم ایران و آمریکا شبیه ماجرای فیلی است که جناب مولانا تعریف کرد که هر کسی در تاریکی به جایی از بدن فیل دست زد و همان عضو را تعریف کرد؟ یکی گوش‌های بزرگ و دیگری پاهای سهمگین فیل و...

به گزارش پیام آشنا به نقل از هفت صبح، حالا که خواسته یا ناخواسته عمده شئونات زندگی ما مردم ایران به میز مذاکره ایران و آمریکا وابسته شده و سقوط و صعود نرخ دلار و سکه، تعیین کننده قیمت کالاهای اساسی زندگی، این سوال بسیاری می‌تواند باشد که واقعا توافق ایران و آمریکا نزدیک است؟

آیا آنچه دونالد ترامپ می‌گوید درست است یا آن‌چه عباس عراقچی روایت می‌کند؟ مگر ماجرای مذاکره غیر مستقیم ایران و آمریکا شبیه ماجرای فیلی است که جناب مولانا تعریف کرد که هر کسی در تاریکی به جایی از بدن فیل دست زد و همان عضو را تعریف کرد؟ یکی گوش‌های بزرگ و دیگری پاهای سهمگین فیل و...

راستش را بخواهید تیتر این مطلب باید این انتخاب می‌شد «توافق ایران و امریکا، خیلی دور، خیلی نزدیک» اما خودم را جای مخاطب که گذاشتم حق دادم که از این تیتر اقتباسی تکراری دلزده باشد چون ما روزنامه‌نگاران اغلب وقتی می‌خواهیم ابهام